

■ جلسه همگانی گروه علوم مهندسی

## مسائل مربوط به محیط زیست کشور

آینده‌نگری محیط زیست در ایران» و «محیط زیست در آینه تحولات ملی و بین‌المللی» سخنرانی کردند. در ادامه جلسه پیرامون موضوعات مطروحه بحث و تبادل نظر شد و دو سخنران به پرسشهای حاضران پاسخ دادند. اولویتهای محیط زیست کشور در مقایسه با کشورهای همسایه و سایر کشورهای دنیا، محدودیتهای و زمان رسیدن به این اولویتهای، مشکلات محیط زیست کشور، شاخصهای توسعه پایدار در محیط زیست و نقش فرهنگستان علوم در مسائل مربوط به محیط زیست کشور از موضوعات مورد بحث در این جلسه بود.

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۹، جلسه همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم پیرامون موضوع محیط زیست، با شرکت اعضای پیوسته و وابسته گروه، برخی از اعضای دیگر گروههای علمی و صاحب‌نظران به ریاست آقای دکتر حجازی‌دهاقانی در سالن شورای فرهنگستان علوم برگزار شد. در این جلسه آقای دکتر جلال شایگان عضو وابسته گروه علوم مهندسی و استاد دانشگاه صنعتی شریف و خانم دکتر معصومه ابتکار عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس و رئیس کمیته محیط زیست شورای اسلامی شهر تهران به ترتیب در خصوص «طرح پژوهشی

■ متن سخنرانی دکتر مهدی گلشنی

## مراسم بزرگداشت مشترک فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸/۱۲/۹)

شایسته تقدیر دانسته‌اند، تشکر می‌کنم. از جناب آقای دکتر داوری نیز که اظهار لطف فرمودند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

واقعیت این است که علم در کشور ما در ۳ دهه اخیر پیشرفت خوبی داشته است، ولی به نظر بنده ظرفیت ما خیلی بیشتر از چیزی است که به آن دست یافته‌ایم و برای اینکه به ظرفیت واقعی مان برسیم باید جلوی برخی از ناهنجاریها را بگیریم. بنده می‌خواهم از حضور جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد و اهل علم در این جلسه استفاده کنم و بعضی از دغدغه‌های خودم را مطرح کنم تا ان شاء... مؤثر واقع شود.

پیرو خبر منتشر شده در خبرنامه شماره ۳۳، در ذیل متن سخنرانی آقای دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته گروه علوم پایه و برگزیده فرهنگستان علوم در مراسم بزرگداشت مشترک فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران ملاحظه می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم. خدمت ریاست محترم جمهوری، سروران معظم و حضار محترم سلام عرض می‌کنم و فرا رسیدن سالروز ولادت حضرت رسول اعظم (ص) و هفته وحدت را به همگی شما تبریک می‌گویم. از اعضای مجمع عمومی فرهنگستان علوم که با رأی خود اینجانب را



به نظر بنده چیزی که باید تشویق شود، به کار گرفتن اهل علم، هم از طریق مجلس و هم از طریق دولت، در طرحهای مهم کشوری است. دانشمندان اگر احساس کنند که به حساب می‌آیند، نتیجه کاملاً متفاوت خواهد بود. موضوع سوم عدم حاکمیت فرهنگ نقد در کشور ماست. ما ۳ سال پیش یک کنگره علوم انسانی برگزار کردیم. یکی از نکاتی که بین همه اهل نظر در آنجا مشترک بود، این مسئله بود که ما فرهنگ نقد نداریم. نه می‌دانیم که چگونه نقد کنیم و نه [با قوت] نقادی می‌کنیم و نه نقد پذیریم. در مواردی هم که نقد صورت می‌گیرد، چون عادت به نقد نداریم، همه عیب‌جویانه تلقی می‌شود. به نظرم می‌رسد که باید با روحیه بالا فرهنگ نقادی و نقدپذیری را رایج کنیم و ادب نقد را هم رعایت کنیم. متأسفانه در کشور ما ادب نقد رعایت نمی‌شود. ما باید به یاد بیاوریم که در فرهنگ اسلامی زندگی می‌کنیم و ادب اسلامی اقتضائات خود را دارد.

موضوع چهارم خروج نخبگان برای ادامه تحصیل است که ابتدا نخبگان برای ادامه تحصیل می‌روند، ولی مهاجرت آنها ادامه پیدا می‌کند و بسیاری از آنها نیز باز نمی‌گردند. عده‌ای می‌گویند که این طبیعی است که نخبگان برای ادامه تحصیل مهاجرت کنند و سپس بیایند و معلوماتشان را به ما منتقل کنند. اگر چنین باشد بسیار خوب است، ولی من زمانی در جلسه شورایی انقلاب فرهنگی در حضور جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد آماری ارائه دادم که از ۱۴۰ نفر در دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف که در هشت سال گذشته برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته‌اند، ۲۰ نفر هم بازنگشته‌اند. عده دیگری می‌گویند وقتی که ما نمی‌توانیم از آنها استفاده کنیم، طبیعی است که مهاجرت کنند. الان آنهایی که می‌روند بیشتر برای سطح دکتری می‌روند و از بهترینها هستند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که پس چرا ما این قدر وقت و هزینه صرف آنها

موضوع اول این مسئله است که معیار پیشرفت علمی ما چیست؟ یکی از معیارهایی که در ۱۰ سال اخیر شدیداً مورد توجه قرار گرفته و همه چیز را تحت الشعاع قرار داده است، تعداد مقالات علمی است. شکی نیست که تعداد مقالات در پیشرفت علمی یک کشور، امر مؤثری است، ولی به نظر من پیشرفت واقعی علمی ما به دو صورت نشان داده می‌شود. اول اینکه ما در مرزهای علم فعالیت داشته باشیم و در این زمینه مرزشکنی کنیم؛ چیزی که کمتر به آن توجه می‌شود. دوم اینکه علم باید در جهت رفع نیازهای کشور گام بردارد. البته اینکه ما برخی از نیازها را از خارج تأمین می‌کنیم، اشکالی نداشت، اگر ما در معرض هجوم و تحریمهای بین‌المللی نبودیم. وجود تحریمها باید باعث شود که ما تمام ضروریات اولیه‌مان را خودمان تهیه کنیم. ما در بعضی از حوزه‌های علم، تولیدات علمی خوب و مقالات زیادی داریم، ولی در مقابل در مورد برخی از مسائل ضروری‌مان، تولیداتمان کافی نیست. به علاوه، باید توجه کنیم که هر چه پیش می‌رویم، یعنی در سالهای آینده، غرب محدودیتهای بیشتری برای انتقال فناوریهای جدید برای ما فراهم خواهد کرد. از این رو ضرورت پیدا می‌کند که همانند چینیه‌ها به فکر آن باشیم که لاقط ضروریاتمان را خودمان تأمین کنیم و در این موارد به خودکفایی برسیم. موضوع دوم مسئله کسب نظر از متخصصان است، که این مورد انجام می‌شود، ولی به نظر بنده در حدی نیست که رضایت اهل نظر را فراهم کند. مشکل ما این نیست که در کشور متفکر نداریم. ما متفکر داریم، ولی متفکران باید به کار گرفته شوند و از حالت انفعال بیرون آیند. باید به نحو شفاف برای اهل علم روشن شود که متفکران به حساب می‌آیند. در آن موقع تولیدات علمی آنها و نتایج مشورت با متفکران کاملاً متفاوت خواهد بود. متأسفانه به دلیل عدم گسترش تبادل نظر در سطح کشور، ما کمتر به اجماع نسبی (و نه اجماع کامل) خبرگان در مسائل اساسی می‌رسیم.

کنیم و درست زمانی که وقت بهره‌برداری از آنها می‌شود، آنها را تحویل غرب دهیم و آنها به نحو مجانی بهترین محصولات ما را بگیرند؟ باید راجع به این مسئله به طور جدی کار شود، زیرا این مسئله به صورت محسوس در جامعه وجود دارد. من از تعداد توصیه‌نامه‌هایی که افراد از دانشگاه خودمان و از دانشگاه‌های دیگر از من و دانشکده ما گرفته‌اند، می‌توانم بگویم که مسئله بسیار حساس و مهم است و حتماً باید به آن توجه شود. خروج نخبگان دلایل مختلفی دارد: یکی اینکه فرهنگ تعهد در آنها کمتر ایجاد شده است و اصولاً با فرهنگ بومی آشنا نیستند که احساس تعهد کنند و دلیل مهم دیگر این است که احساس می‌کنند شایسته سالاری حاکم نیست. اگر ملاحظه کنند که شایسته سالاری حاکم است و تبعیض وجود ندارد، مسلماً عده زیادی از آنها جذب خواهند شد.

موضوع پنجم این است که یکی از مشکلات ما تنگ‌نظری تخصصی و قالبی است. زمان حال مانند زمان ابن سینا نیست که یک فرد بتواند همه علوم زمان خود را یاد بگیرد و ما چاره‌ای جز تخصص نداریم، ولی داشتن تخصص غیر از قالبی فکر کردن و تنگ‌نظری متخصصانه است. ما شاهدیم که فرد وقتی در یکی از رشته‌های علوم متخصص می‌شود، دنیای او فقط و فقط همان رشته تخصصی خودش است. گویی که در یک خلاء انسانی کار می‌کند. به نظر من این تخصصها باید در محیط انسانها پیاده شود. بنابراین لازم است که افراد دروس فوق تخصص خودشان را بگذرانند تا با جوامع انسانی و شرایط انسانها آشنا شوند، با نیاز جوامع خود آشنا شوند و این می‌طلبد که ما به قضیه وسعت بدهیم. وسعت دید داشتن در علمای قدیم ما یک فرهنگ بوده است. آنها همه چیز را جامع می‌دیدند. الان حوزه‌های بین‌رشته‌ای در حال به راه افتادن است، ولی واقعاً باید بیش از اینها گسترش پیدا کند. باید حوزه‌های علوم پایه، علوم انسانی، علوم مهندسی و ... با هم ارتباط داشته باشند، همانطور که در بعضی از دانشگاه‌های درجه اول آمریکا و اروپا این مبادلات صورت می‌گیرد. باید توجه داشت که علم در هر فرهنگی رشد نمی‌کند. ما اگر به دوران درخشان چند صد ساله تمدن اسلامی نظر کنیم، می‌بینیم که علم در زمانهایی رشد پیدا کرده است که آزادی اندیشه بوده، تبادل افکار بوده و حرمت

علما بیشتر بوده است. مانند زمان آل‌بویه و سامانیان و در مقابل مشاهده می‌شود که به محض آنکه اشعری مسلکان با مشرب ضد عقلی خود وارد شدند، رشد علوم در عالم اسلام متوقف شد.

موضوع ششم این است که در کشور ما کمیت‌گرایی در مقایسه با کیفیت‌گرایی بسیار رواج یافته است. هر چه را که بخواهیم ذکر کنیم، می‌بینیم که بدون تحلیل آمار می‌دهند. ما در مقام تحصیلات، کیفیت را دست کم می‌گیریم. در مقام تولیدات صنعتی کیفیت را دست کم می‌گیریم. مسئله کنترل کیفیت باید بسیار جدی‌تر گرفته شود تا مردم به سراغ اجناس خارجی نروند. مسئله توجه به کیفیت بسیار مهم است. اینکه ما چقدر فارغ‌التحصیل داریم، خیلی مهم نیست، اینکه فارغ‌التحصیلان ما چقدر توانایی دارند مهم است.

موضوع هفتم که موضوع آخری است که می‌خواهم ذکر کنم این است که یکی از مشکلات اساسی جامعه ما مجازطلبی، صورت‌گرایی، ظاهر‌گرایی و نظایر آن است و از نشانه‌های آن مدرک‌گرایی است. مردم دنبال اخذ مدارک فوق لیسانس و دکترا هستند تا به هر طریقی که ممکن هست آنها را به دست آورند. شما می‌بینید که عده‌ای زحمت می‌کشند و خون دل می‌خورند تا به اخذ درجه دکتری نائل شوند، ولی عده‌ای به راحتی و بدون رفتن به کلاس صاحب این مدارک می‌شوند. به این مسائل باید واقعاً رسیدگی شود. به عنوان مثال دیگر، مشاهده می‌کنیم که عده‌ای بدون آنکه واجد شرایط باشند و تخصص کافی در موضوعی داشته باشند، در جشنواره‌ها [به نام آن تخصص] جایزه می‌گیرند و همچنین عده‌ای بدون آنکه وقت صرف کنند، اسمشان روی کتابها درج می‌شود. چرا ما دنبال ظاهر‌گرایی هستیم؟ اسلام یک مکتب واقع‌گرا است و دنبال حقیقت است. آیه شریفه «یعلمون ظاهراً من الحیاة الدنیا وهم عن الآخرة هم غافلون» این مورد را به ما می‌گوید و من این روزها بیشتر و بیشتر به یاد این بیت خواجه حافظ شیرازی هستم که:

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید  
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»